

# شرارها

مارگریت یورسنار

ترجمه رضا رضایی



۱۳۹۱

*Fires*

Marguerite Yourcenar  
Translated from the French by Dori Katz  
in collaboration with the author  
The University of Chicago Press  
Chicago, 1994



## فهرست مطالب

۱۱	پیش‌گفتار
۲۱	تأملات (۱)
۲۳	فایدرایا یا یأس
۲۷	تأملات (۲)
۲۹	آخیلیس یا دروغ
۳۷	تأملات (۳)
۴۱	پاتروکلوس یا سرنوشت
۴۷	تأملات (۴)
۴۹	آنتیگونه یا انتخاب
۵۵	تأملات (۵)
۵۷	لینا یا راز
۶۹	تأملات (۶)
۷۱	مریم مجدلیه یا نجات
۸۳	تأملات (۷)
۸۵	فایدون یا رقص
۹۹	تأملات (۸)
۱۰۱	کلوتمنسترا یا جنایت
۱۱۱	تأملات (۹)



سایفویا خودکشی	۱۱۳
تأملات (۱۰)	۱۲۵
پیوست‌های مترجم	۱۲۷
یادداشت‌ها	۱۲۹
پس‌گفتار	۱۳۹

## بیمارانه

.....	۱۱
..... (۱) تک‌گزل	۱۲
.....	۲۲
..... (۲) تک‌گزل	۷۲
.....	۶۲
..... (۳) تک‌گزل	۷۶
.....	۱۶
..... (۴) تک‌گزل	۷۲
.....	۶۲
..... (۵) تک‌گزل	۵۵
.....	۷۵
..... (۶) تک‌گزل	۶۹
.....	۱۲
..... (۷) تک‌گزل	۶۸
.....	۵۸
..... (۸) تک‌گزل	۶۶
.....	۱۰۱
..... (۹) تک‌گزل	۱۱۱

## پیش‌گفتار

شماره‌ها کتاب دوره جوانی‌ام به معنای دقیق کلمه نیست: من این کتاب را در سال ۱۹۳۵ نوشتم؛ سی و دو ساله بودم. کتاب در سال ۱۹۳۶ انتشار یافت و در سال ۱۹۵۷ تقریباً بدون تغییر تجدید چاپ شد. در چاپ فعلی هم چیزی عوض نشده است.

شماره‌ها محصول بحرانی عشقی است، و به شکل مجموعه‌ای از شعرواره‌های عشقی، یا به عبارت دیگر، شبیه زنجیره‌ای از قطعه‌های منثور شاعرانه که با اندیشه عشق به هم پیوند خورده‌اند. به این ترتیب، این کتاب بی‌نیاز از هرگونه شرح و تفسیر است. عشق کامل، که هم به شکل نوعی بیماری به سراغ قربانی‌اش می‌رود و هم به شکل کششی طبیعی، از زمان‌های خیلی دور تجربه همگانی بوده است و نیز یکی از تم‌های مکرر ادبیات. شاید تنها نکته‌ای که باید اضافه کنم این است که همه عشق‌های تجربه شده، مانند عشقی که الهام‌بخش این کتاب بوده است، در موقعیت معینی با ترکیب بغرنجی از احساس‌ها و زمینه‌ها شکل می‌گیرند و از بین می‌روند. در رمان این‌ها در طرح داستانی به هم بافته می‌شوند، و در شعرواره نقطه شروع شعر هستند. در شماره‌ها، این احساس‌ها و زمینه‌ها گاهی مستقیم، و البته رمزگونه، در قالب «تأملات» پراکنده‌ای بیان شده‌اند که در ابتدا یادداشت‌هایی برای نگارش خاطرات شخصی بوده‌اند؛ گاهی، برعکس، غیرمستقیم و از طریق



روایت‌هایی بیان شده‌اند که از افسانه و تاریخ وام گرفته شده‌اند و تکیه گاه و مبنای من در طول زمان بوده‌اند.

آدم‌های اساطیری یا واقعی این داستان‌ها، همه بجز مریم مجدلیه، متعلق به یونان باستان هستند؛ این همان یونانِ دنیای سریانی - یهودی است که مسیحیت را پدید آورده و نقاشان رنسانس و باروک (شاید با رگه‌هایی واقع‌گرایانه‌تر از آنچه ما خیال می‌کنیم) همواره دل‌شان می‌خواسته آن را با معماری زیبای کلاسیک، پرده‌های قشنگ و بدن‌های زیبا بیان کنند. همه این داستان‌ها به درجاتی گذشته را مدرن می‌سازند. بعضی از این داستان‌ها رنگ و بویی نیز از آن مراحل بینابینی دارند که اسطوره‌ها و افسانه‌ها آن‌ها را پیموده‌اند تا به ما رسیده‌اند؛ از این‌رو، لایه‌های اصطلاحاً کلاسیک در شراره‌ها گاهی لایه‌های زیرین‌اند و چندان قابل تشخیص نیستند. فایدا را به هیچ وجه آن فایدا برای آنتی نیست؛ قاتل سودازده‌ای است که از راسین<sup>۱</sup> به ما رسیده است. آخیلس و پاتروکلوس زیاد از هومر اقتباس نشده‌اند بلکه بیشتر از شاعران، نقاشان و پیکره‌تراشانی گرفته شده‌اند که از زمان هومر تا کنون می‌زیسته‌اند؛ به علاوه، این دو داستان، که جاهایی رنگ و بوی قرن بیستمی یافته‌اند، ما را به دنیای بی‌زمان رؤیاگونه‌ای می‌کشانند. آنتیگونه مستقیماً از درام یونانی گرفته شده است، اما در میان همه داستان‌هایی که در شراره‌ها آمده است، این کابوس جنگ داخلی و شورش علیه مقامات مفتش شاید بیشترین بار را از عناصر معاصر یا کم‌وبیش پیشگویانه دارد. داستان لِنَا مبتنی است بر همان خرده اطلاع ما از زنی درباری به همین نام که در سال ۵۲۵ قبل از میلاد در توطئه هارمودیوس و آریستوگیتون شرکت داشته، اما رنگ و بوی محلی یونان جدید و جنگ‌های داخلی بیمارگونه زمانه ما تقریباً کل زمینه قرن ششم قبل از میلاد را می‌پوشاند. در حدیث نفس کلوتمِنسترا، موکِنای<sup>۲</sup> هومری با

۱. ژان راسین (Jean Racine)، ۱۶۳۹-۱۶۹۹، نمایشنامه‌نویس فرانسوی. - م.

۲. موکِنای (Mycenae)، سرزمینی در یونان که در روایات اساطیری مقرر حکومت آگاممنون (شوهر کلوتمِنسترا) بود. - م.

منظره روستایی دوره جنگ یونان - ترکیه در سال ۱۹۲۴ یا شکست داردانل<sup>۱</sup> درآمیخته است. حدیث نفس فایدون از نوشته‌های دیوگِنِس لایرتیوس<sup>۲</sup> درباره نوجوانی و جوانی این شاگرد سقراط اخذ شده است؛ زندگی شبانه آتن در سال ۱۹۳۵ با نگاهی به جوانان متمتع و متنعم دوره آلکیبیادِس تصویر شده است. داستان مریم مجدلیه از روایتی گرفته شده است که در افسانه زَرین ذکرش آمده است (البته نویسنده این مجموعه مؤمنانه بعداً خودش آن را کذب خواند)؛ در این روایت، قدیسه بدل به نامزد یحیی [یوحنا مِعمدان] شده است؛ یحیی مریم مجدلیه را ترک می‌کند و مریم مجدلیه به دنبال عیسی می‌رود. داستان مبتنی است بر متون آپوکریف [مجعول]، و آن خاورمیانه‌ای که در داستان آمده است متعلق است به دیروز و همیشه، اما استعاره‌ها و کنایه‌ها در جاهای مختلف به زمان ما اشاره دارند. ماجرای ساپفو، و افسانه خودکشی این شاعره به خاطر جوانی زیبا و بی‌اعتنا، به یونان مربوط می‌شود اما ساپفوی بندباز من متعلق است به دنیای بین‌المللی خوشگذران‌های بین دو جنگ جهانی، و این نقش بیشتر به کم‌دی‌های شکسپیری می‌ماند تا به تم‌های یونانی. در همه جای شراره‌ها نوعی جهت‌گیری و القا هست که گذشته را با اکنون درمی‌آمیزد - اکنونی که خودش دیگر بدل به گذشته شده است.

هر کتابی لاجرم مهر و نشان زمانه‌اش را دارد. این مهر و نشان به دو طریق حک می‌شود: یکی با رنگ و بوی زمانه که کم و بیش در زندگی نویسنده کتاب جریان دارد؛ دیگری با بازی بغرنج تأثیرهای ادبی و واکنش در برابر این تأثیرها، بخصوص هنگامی که نویسنده هنوز جوان باشد؛ همیشه نمی‌توان این یا آن تأثیر را به آسانی تمیز داد. من به صراحت اعتراف می‌کنم که در «فایدون یا رقص»، تحت تأثیر انسان‌گرایی خوشایند پل والری<sup>۳</sup> بوده‌ام،

۱. Dardanelles، نام تنگه‌ای که آسیا را از اروپا جدا می‌کند. - م.

۲. Diogenes Laertius، نیمه اول قرن سوم پیش از میلاد، نویسنده شرح حال و آراء فلاسفه. - م.

۳. Paul Valery، ۱۸۷۱-۱۹۴۵، ادیب، شاعر و فیلسوف فرانسوی. - م.